

نگارش: آقای ع. فیاض

درس عربی

در این که زبان عربی در آموزشگاههای متوسطه و عالی کشور تدریس میشود حرفی نیست صحبت در چقدر خواندن و چطور خواندن آن است. بطوریکه شنیده میشود در این روزها اولیای محترم وزارت فرهنگ موضوع را بررسی میکنند و میخواهند در برنامه‌ها و کتابهای درسی تجدید نظری کنند، کاری است بسیار لازم و سودمند زیرا انصافاً بسیاری از اشکالهای درس عربی زیرس کتابها و طرز تدریس آن است و البته بوسیله اصلاح طرز تدریس و تهیه کتاب خوب میتوان همان اندازه اشکال را مرتفع ساخت.

زبان عربی بخودی خود - یعنی صرف نظر از کتاب و طرز تدریس - یکی از زبانهای مشکل دنیاست مخصوصاً برای شاگردان فارسی زبان که زبانی بدین آسانی ندارند. بنابراین شگفت نیست اگر دانش آموزان ما از این درس خسته میشوند همان طور که دانش آموزان فرنگی از درس لاتینی مینالند. کسی که از دستور این هر دو زبان اطلاع دارد میداند که موضوع اعراب (۱) و صرف افعال در این دو زبان چقدر دشوار است. این انبوه قواعد دستوری آثار باستانی است که در این دو زبان مانده، چه در علم زبان شناسی مقرر است که همه زبانها در روزگارهای قدیم خود دستورهای پرقاعده و پیچیده داشته اند که بمرور زمان سائیده شده و از میان رفته، همین دستور ساده و آسان فارسی پس مانده يك دستور پیچیده ایست که هم اکنون آثار آن در زبان اوستائی و سانسکریت دیده میشود. اگر زبان لاتینی زنده میماند قطعاً بحکم ناموسهای تحوّل بسیاری از این قواعد را از دست میداد و در حقیقت زبانهای لاتین زاده فرنگ تحوّلات زبان لاتینی محسوب میشود. زبان عربی هم که امروز زنده است در زیر فشار تحوّل قرار گرفته است و عربی دارج همواره رو به حذف اعراب میرود.

ولی هیچیک از این مشکلات لزوم تحصیل عربی فصیح را از میان نمیرد همانطور که در فرنگستان مانع تحصیل لاتینی نشده است. یکی از آموزگاران فرانسه میگوید (۱) شاگردان ما شش سال لاتین میخوانند و تازه بقدر هشت روز فرصت فرا گرفتن فعل (۲) (بودن) را پیدا نمیکنند. با وجود این در فرنگستان هنوز دانستن زبان لاتینی شرط لازم فضل و کمال است. يك معلم تحصیل کرده، يك نویسنده آموزشگاه دیده، نیست که زبان لاتینی را نداند و هر اس و ویرژیل را نخوانده باشد. شاید بتوان گفت که دانستن زبان عربی برای ما لازم تر است از لاتینی برای فرنگی ها، زیرا زبان فعلی ما آمیخته با عربی است و اصلاحاتی که در نظر است مستلزم دانستن زبان عربی میباشد بعلاوه سرچشمه های ادبی ما در زبان عربی شاید بیشتر است از منابع لاتینی فرنگیها، گذشته از همه اینها زبان عربی زبانی است زنده برخلاف لاتینی که مرده است، پس باید عربی را آموخت ولی باید دید چقدر و چه طور؟

صحبت بنده در اینجا بمناسبت پیشه خودم راجع به عربی

برنامه

متوسطه است. در برنامه اندازه درس بتفصیل ذکر نشده ولی

چون کتابهای مخصوصی را نام برده اند از این رو حدود درس

بطور اجمال معین است یعنی باید در حدود این کتابها باشد. اقسام درس عربی در دیرستان

عبارت است از قرائت و دستور و ترجمه از عربی. انشا و ترجمه از فارسی (تم) مقرر نیست.

از اینجا معلوم میشود که مقصود برنامه فقط این است که شاگرد نوشته عربی را درست

بخواند و بفهمد، استفاده مکالمه ای چنانکه در مورد دیگر زبانهای خارجی معمول است

در اینجا منظور نیست. این نظر از لحاظ اینکه ما عربی را برای استفاده از منابع ادبی

میخواهیم، صحیح است و از آن چنین نتیجه میشود که اولاً تدریس با روش مستقیم در

درس عربی لازم نیست و آموزگار میتواند از همان اول بوسیله ترجمه تدریس کند.

ثانیاً کتابهای قرائتی باید بیشتر روی نقشه استفاده ادبی درست شده باشد یعنی مندرجات

کتاب باید از امثال و عباراتی باشد که در کتابهای خودمان متداول بوده یا از آثار

نویسندگان نامی عربی قدیم و جدید باشد نه حکایت (بشه فارس و جوزة سعد)، البته معلوم است که تدرّج مطالب را باید با کمال دقت رعایت کرد. باید از آسان بدشواری رفت هم از جهت لفظ و هم از جهت معنی. در سال اول از استعمال جمله های دراز و مخصوصاً آنهایی که با روح مخصوص عربی ساخته شده است باید احتراز کرد، فعلهای مرکب و عباراتی که ضمیرهای متشابه المرجع دارند باید بکار نبرد چون در عربی استعمال ضمیر تقریباً حد و قیدی ندارد و امثال عبارت (ابو امه حیّ ابوہ یقاربه) و (من بنته فی بیته) شایع است يك وقتی در کتابهای درسی قدیم مرجعهای ضمیر را برای راهنمایی شاگرد راده میگذاشتند و با وجود آن پیدا کردن مرجع زحمت داشت. این است شرایط کتاب قرائتی که برای ما لازم است. اینک باید دید که کتابهای معمولی آیا واجد این شرایط هستند یا نه؟

مدارج القرائه . - این کتاب اصلاً برای شاگردهای عربی زبان نوشته شده و از این حیث شاید کتاب خوبی باشد ولی برای شاگردان ما خیلی مناسب نیست. خود مؤلف کتاب در جلد اول میگوید این کتاب برای کودکانی است که بسیاری از نامهای ابزارها و جانوران و درختها و جز آنرا از پیش بدانند، یعنی کودک پنج ساله عربی زبان، این است تصریح خود مؤلف و گذشته از این نظر، این کتاب دارای جمله های دراز و واژه های کم استعمال است. مندرجات آن خالی از ارزش ادبی است که مامیخواهیم. شاگرد ما بجای (ابشروا حبا حبا) باید يك قطعه ادبی بیاموزد.

در این کتاب قطعه های ادبی هم که نقل شده گاهی خیلی نامناسب است. برای يك کودک شش ساله قصیده ابن الوردی چه مفهومی دارد؟ او از (اعتزل ذکر الغوانی والغزل) چه میفهمد؟ یا از اینکه بگوئیم زمان کودکی را بیاد میاور زیرا دوران کودکی گذشته است (ودّع الذکری لایام الصبا فلا یام الصبا نجم اقل). تذکر طفل به لذت زمانهای گذشته و گناه فرود آمده (ان انا عیشة قضیتها ذهب لذاتها والاثم حلّ) دعوت طفل بترك دنیا (اطرح الدنيا فمن عاداتها تخفض العالی الخ. یا تذکر مرگ) کتب الموت علی الخلق الخ.) انصافاً اینگونه حرفها برای کودک نه معنی دارد و نه مناسبت و باهیچ

اصلی در پرورش و آموزش ساز نیاید .

این قصیده را قاعدهٔ ابن الوردی برای اندرز مرد کاملی ساخته بر فرض هم که از روی ساده لوحی (که آثار آن در سایر حرفهای ابن الوردی و مخصوصاً در کتاب خریدة العجایب نمودار است) برای کودکی ساخته باشد، مؤلف مدارج باید بداند که قدیمیها علم كودك شناسی نداشتند و كودك را با مرد بزرگ فرق نمیگذاشتند . امروز مطلب غیر از آن است .

مجانی الادب

این کتاب را بیشتر چاپ زیبا با جلد ظریف و اسم پر آب و تاب مؤلف (الاب لويس شيخو اليسوعی) مشهور کرده در صورتیکه از نظر آموزش شاید ارزشی نداشته باشد . نقشهٔ مؤلف این کتاب بمناسبت پیشه اش بر تبلیغ مذهب بوده و هر چه را مناسب مقصود مییافته در این کتاب درج میکرده ، بدون آنکه بارزش ادبی آن مقید باشد . بیشتر آثار ادبی این پدریسوعی برای خدمت بمذهب بوده است : مجلة الشرق ، کتاب شعراء النصرانیة دیوان اخطل همه از همین قماش است . بهر حال کتاب مجانی اگر از سایر جهات خوب باشد از نظر درس و آموزشگاه کتاب خوبی نیست . جلد سوم این کتاب را هم در متوسطه و هم در عالی میخوانند . مندرجات این مجلد عبارت است از يك مشت دعاها و مناجات و زهدیات و کلمات صوفیه و تاریخهای بی اصل و اساس و حکایات بیمزه و امثال آنها که غالباً از نشرهای پست و نابلیغ انتخاب شده مانند نثر زشت و تکلیف آمیز ابن عرب شاه که مرزبان نامه را بنام فاکهة الخلفاء بعربی ترجمه کرده است . در سرتاسر این کتاب يك سطر از ابن مقفع ، جاحظ ، ابن قتیبه ، قدامه و دیگر سخنوران نامی عرب نیست .

در تنظیم مطالب هم قاعدهٔ از آسان بدشوار رعایت نشده است . حاصل آنکه

کتاب قرائتی دورهٔ عالی باید خیلی بهتر از این باشد .

درس دستور . کتاب مبادی العربیة - چنانکه در آغاز این مقاله گفته

شده است دستور زبان عربی بخودی خود پیچیده و دشوار است و لکن موشکافیهای

نحویان قرون وسطی نیز بر اشکال آن بسیار افزوده است. تقسیمهای بیفایده که هیچ اثر عملی ندارد و تعلیلهای موهوم ناسب در کتابهای نحو و صرف فراوان است.

ابن خلدکان میگوید (در ترجمه ابوعلی حسن) که عضد الدوله دیلمی از ابوعلی فارسی پرسید که علت نصب مستثنی در قام القوم الازیداً چیست؟ گفت بتقدیر فعل استثنی، عضد الدوله گفت: چرا رفع ندهی و فعل مقدر را امتنع فرض نکنی؟- ابوعلی در ماند.

چندی بعد مقاله مفصلی در این باب نوشت. در آن روز کار مردمی بودند که کاری جز همین حرفها نداشتند و از همین راه هم معاش میکردند و هیچ علمی را هم غیر از این قبول نداشتند. از کسائی نحوی منقول است (ابن خلدکان در ترجمه ابو الحسن علی الکسائی) که هر کس در علمی متبحر شد بتمام علمهای دیگر دست پیدامیکند. خود کسائی مسائل فقه را با قواعد نحو حل میکرد. باری روی این اساس دامنه فرضیات نحو بقدری پهناور شد که برای تجزیه يك عبارت عربی چندین سال درس و ممارست لازم بود. در تجزیه عربی این قدر ضمیر مستتر و فعل مقدر و مبتدأ محذوف هست که گوئی انسان در سر زمین اجته و ارواح راه میبرد. تفصیل این اجمال بحث جداگانه لازم دارد. غرض این است که زندگانی امروز غیر از قرون وسطی است. با این تنوع و فراوانی آموختنیهای لازم کسی مجال این تقسیمها و تعلیلهای بی فایده را ندارد. از این رو کتاب دستور امروز ما باید فقط يك کتاب عملی و خالی از این موشکافیها باشد. نباید چندین روز وقت شاگرد را برای فرق موهوم بین ذهب زید و زید ذهب هدر کرد و نظایر آن. کتاب مبادی العربیه اگر چه از حیث طرز نگارش و چاپ با کتاب سیوطی و جامی چاپ تبریز فرق دارد یعنی مطلبها درس درس و بشکل سؤال و جواب است، «پاراگرافها» نمره دارد، نقطه گذاری هم تا اندازه ای رعایت شده و از همه مهمتر تمریناتی دارد که کتابهای قدیم نداشت، با همه این اوصاف این کتاب روی مبانی قدیم و همان فرضیه های پیچیده نوشته شده و بنا بر این باید کتاب بهتری فکر کرد. چه عیب دارد که صرف و نحو عربی هم مثل دستور سایر زبانها روی روش استقرائی تدریس شود؟ بشرحی که در علم پرورش و آموزش مقرر است (رجوع کنید

بکتاب روش نوین، صفحه های ۳۵۲ و ۴۷۴). نمونه خوبی از این قسم دستور نویسی در زبان فرانسه هست و آن کتاب تألیف ماکه و فلو است (۱)
 آقایانیکه بخواهند بعد از این کتابی برای دستور عربی بنویسند خوب است از روش آن کتاب استفاده کنند.

اجمالاً معلوم است که کتابهای درسی عربی در اول از باب نبودن کتاب بهتر، انتخاب شده یعنی برای نو آموزان، کتاب مدارج و بجانی بهتر از مقامات حریری و سبعه معلقه و کتاب مبادی بهتر از مغنی و جامی بوده ولی جای کتاب خوب هنوز خالی است.
 فضلا و آموزندگان ماباید این جای خالی را با تألیفهای خودشان پر کنند و از این راه خدمتی بفرهنگ کشور انجام بدهند.

ع . فیاض (مجیدی)

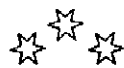
۱ - Cours de langue Française (Cours moyenne et superieure)
 par Maquetet Flat

همت

همت بلند دار که مردان روزگار علوم انسانی و از اهت بلند بجائی رسیده اند



قیمت آدمی بسته بمقدار همت اوست.



عقل و همت را نمیدانم کدامین بهتر است

اینقدر دانم که همت هرچه کرد از پیش برد



همت مردان کوهها را از پیش بر میدارد.



مور تواند که سلیمان شود

همت اگر سلسله جنبان شود